

متن پرسش

سلام خدا قوت: پرسشی دارم و البته به امید راهجویی و آن اینکه وقتی حرف از ادامه دادن خود در تاریخی که جلویمان است (و آن انقلاب اسلامی است) می‌زنیم، حرف از عالم داشتن و دیدن افق و نه صرفاً اعتقاد داشتن و قبول داشتن است به میان می‌آید. به قولی بعد از امثال حاج قاسم‌ها بود که دیدیم جهاد زندگی کردن است نه چیزی کنار زندگی. یعنی صرف قبول داشتن آقا آن شور و بودن را برای در میدان بودن و سلحشورانه آینده را رقم زدن به ارمغان نمی‌آورد. و باید آنچه ولی می‌بیند را ببینیم یا به قولی هم افق و هم عالمش شویم. نمی‌خواهم بگویم چگونه و چطوری و از این قبیل چیستی‌ها که شاید بشود اینگونه هم پرسید. نمی‌دانم. چندین ماه و شاید ماه‌هاست می‌خواهم بپرسم اما خودم را پس می‌زنم که پرسیدنی نیست. آری! جز به اشاره نمی‌توان از عالم حاج قاسم‌ها گفت. که درک می‌کردند. از طرفی به آسانی هم نمی‌شود از بی‌عالمی نجات پیدا کرد. غرض. گویا پیدا است که از چه چیز بی‌چاره می‌شوم و پناهی جز نوشتن نمی‌یابم. و گویا شما دستم را خوانده‌اید. مگر عالم‌داری با اینگونه نوشتن می‌شود. به خویشتن که می‌نگرم، آتش طلب را می‌بینم. اما آتش طلب طلب حاج قاسم‌ها نه آن آتش و طلبی که جان ایشان را می‌گذاخت و نشان از عالمی بود که دربرشان گرفته بود. آن آتشی که سید حسن آن طور از خدایی که سید علی نشانش داده بود سخن می‌گفت آن آتشی که حسن تهرانی مقدم را عاشق مبارزه با صهیونیست کرد و بود و نبودش بود. صبر چگونه است تا از بی‌عالمی پرهیم و «مژده بده مژده بده یار پسندید مرا» را به انتظار بنشینیم. گفته‌ها، توان بیان ناگفتنی‌ها را ندارند و شما مرد خواندن نانوشتنی‌ها هستید. یا علی مدد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همانطور که متوجه شدید کافی است به خود آییم و خود را در تاریخی که آغاز آن با انقلاب اسلامی است احساس کنیم. حضور در آینده با درک زمانه و روشن کردن راهی که در پیش است، فراهم می‌شود و غفلت از حضوری که در پیش است، همان بی‌خردی و جهل و نشناختن زمانه است که در روایات از قول حضرت صادق «علیه‌السلام» داریم: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلْسَانَةِ» لازم است بر عاقل که نسبت به زمانه خود بصیر باشد و با پیش آمدها مطابق شأن و بصیرتی که دارد برخورد کند و حافظ زبان خود باشد تا مطابق زمانه‌اش سخن بگوید. آیا جز این است که اهل نظر باید به امکان‌های زمانه بیندیشند و در طلب چشم‌انداز آینده باشند؟ زیرا بدون آن چشم‌انداز، آینده معنا ندارد و گرفتار تکرار زمانه می‌شویم. به نظر می‌آید آینده انقلاب

اسلامی، آینده‌ای است که در آن انسان‌ها معنای دیگری به خود می‌گیرند ماورای انسان گرفتار پوچی‌ها. عرایضی تحت عنوان «راز امیدواری به آینده در تاریخ انقلاب اسلامی» شده است که امید می‌رود تا حدی آن نوع حضور که از یک طرف حضور در جهان درونی خود می‌باشد و از طرف دیگر حضور در جهانی که جهان آینده است را در مقابل عزیزان بگشاید. در این رابطه از مطالعه کتاب «ما و راه کربلایی شهید رئیسی» از انتشارات سرای هنر و اندیشه سها غفلت نفرمایید.

https://eitaa.com/soha_sima/۴۹۵۰ موفق باشید.